

# بررسی درجه اضطراب جدایی مادری در زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز

## واپسته به دانشگاههای علوم پزشکی

### شهر تهران می سپارند، سال ۱۳۷۲

اضطراب جدایی مادری را تایید نمود.

#### بیان مسئله پژوهش

پدیده جدایی در طول دوره زندگی در زمانهای متفاوت و مصادف با وقایع مختلف اتفاق می افتد (پوسکار،<sup>۵</sup> ۱۹۸۶، صفحه ۲۰). در طول دوره زندگی، کودک و فرد بزرگسال هر دو به ارتباط، تعلق، مورد علاقه بودن و عشق نیاز دارند، و هر دو فرایند جدایی را تجربه می کنند. جدایی از قطع رابطه دلبستگی با شخص و موضوع مورد عشق و محبت ناشی می گردد (ماهلر

دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران انجام پذیرفته است. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه اضطراب جدایی مادری<sup>۲</sup> بود که توسط هوک و همکارانش<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۲ تهیه شده است.

نتایج پژوهش حاکی از آن بود که در مجموع اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۷۱/۷ درصد) از درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری برخوردار بودند. میانگین درجه اضطراب جدایی مادری در این پژوهش ۲۱/۲۲ با انحراف معیار ۳/۱۹ بود. استفاده از آزمون آماری کای دو،<sup>۴</sup> وجود ارتباط معنی دار میان برخی از مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل و درجه اضطراب جدایی مادری آنها را در عوامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک، نگرانیهای مادر در رابطه با شغل، همچنین امتیاز کلی

پژوهشگر: کاملیا روحانی فوق لیسانس آموزش پرستاری بهداشت جامعه استاد راهنما: خانم مریم عالیخانی فوق لیسانس پرستاری داخلی و جراحی، و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران. استاد مشاور: خانم ملیحه السادات موسوی فوق لیسانس پرستاری داخلی و جراحی، و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران. استاد آمار: آقای دکتر محمود محمودی، دکترای آمار و استاد دانشکده بهداشت دانشگاه تهران. استاد ناظر: خانم فاطمه جوادی فوق لیسانس آموزش پرستاری و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

#### چکیده پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه زمینه ای<sup>۱</sup> است که روی ۶۰ مادر شاغل در یکی از مراکز وابسته به

1-Field Study

2-Maternal Separation Anxiety Questionnaire

3-Hock et al

4-Chi-Square

5-Puskar

و همکاران،<sup>۱</sup> ۱۹۷۵، (صفحه ۴).  
 در این زمینه فرایندهای جدایی  
 مادر و کودک، اهمیت غیر قابل  
 انکاری دارند اما کانون توجه در  
 مقالات موجود، تقریباً بطور  
 انحصاری به کودک تخصیص داده  
 شده است. محققین به اهمیت رفتار  
 مادر، نگرش‌ها و احساسات او بطور  
 ضمنی اشاره کرده‌اند اما در حقیقت  
 مشاهدات انجام شده از مادران  
 تصادفی بوده و یافته‌ها بطور خلاصه  
 گزارش شده‌اند (هوک و همکاران،  
 ۱۹۸۹، صفحه ۷۹۳). هوک از سال  
 ۱۹۷۶ یک سری مطالعات را برای  
 ارزشیابی عقاید و احساسات مادران  
 درباره جدایی و مراقبتهایی که توسط  
 اشخاص دیگری غیر از مادر ارائه  
 می‌شوند، آغاز نمود. از این  
 مطالعات یک متغیر جدید به نام  
 اضطراب جدایی مادری<sup>۲</sup> استخراج  
 شد. این متغیر به صورت یک حالت  
 هیجانی ناخوشایند که به تجربه  
 جدایی مادر و کودک وابسته است،  
 تعریف می‌شود و به شکل احساس  
 فقدان، اندوه یا حس گناه در زنان  
 آشکار می‌گردد (هوک و دمیس<sup>۳</sup>  
 ۱۹۹۰، صفحه ۲۸۶).

به بیان کراکنبرگ و لیتمن<sup>۴</sup>  
 (۱۹۹۱) یکی از تغییرات بزرگ  
 اجتماعی در ۲۵ سال گذشته  
 افزایش فوق العاده در تعداد زنان

شاغل دارای فرزند خردسال بوده  
 است (صفحه ۹۳۰). و در دهه  
 گذشته این افزایش خصوصاً برای  
 مادران دارای کودکان سن زیر سه  
 سال چشمگیر بوده است و بین  
 سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۵ از ۳۱ درصد  
 به ۴۸ درصد فزونی یافته است.  
 (هوفرت و فیلیپس،<sup>۵</sup> ۱۹۸۷، صفحه  
 ۵۵۹). در کشور ایران نیز اشتغال  
 زنان در خارج از منزل، جامعه و  
 مخصوصاً خانواده ایرانی را از  
 جهات بسیاری تحت تاثیر قرار داده  
 است و اهمیت آن نه تنها تعدد زنانی  
 است که امروزه جذب بازار کار  
 شده‌اند، بلکه آهنگ سریع افزایش  
 این جمعیت نیز می‌باشد (ساروخانی،  
 ۱۳۷۰، صفحات ۱۷۴ و ۱۷۲). بر  
 اساس اطلاعات آماری سال ۱۳۶۴  
 سازمان امور اداری و استخدامی  
 کشور، تعداد مستخدمین زن  
 مشمول قانون استخدام کشوری بالغ  
 بر ۲۵۹،۲۵۴ نفر بوده است  
 (کامگار، ۱۳۶۷، صفحه ۳). در  
 مقایسه با آمار سال ۱۳۶۸ که این  
 تعداد به رقمی معادل ۲۸۶،۶۳۸ نفر  
 رسیده است، افزایش قابل  
 ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (مرکز  
 آمار ایران، ۱۳۷۱، صفحه ۱۱). به  
 علاوه، نگاهی به جمعیت ایران که  
 دارای رشد سریعی است، نشان  
 می‌دهد که تعداد کودکان ۰-۳ ساله

شهر تهران در سال ۱۳۵۹ بالغ بر  
 ۶۱۰،۰۸۹ نفر بوده است (مرکز آمار  
 ایران، ۱۳۶۰، صفحه ۱) و در  
 آمارگیری سال ۱۳۶۵، جمعیت  
 کودکان ۰-۳ ساله تهران به ۷۴۵،۱۵۷  
 نفر رسیده است (مرکز آمار ایران،  
 ۱۳۶۸، صفحه ۲۰). لذا این روند  
 افزایشی نه تنها در تعداد زنان شاغل  
 مشاهده می‌شود، بلکه در تعداد  
 کودکان خردسال سنین ۰-۳ سال نیز  
 مشهود است و در غالب موارد این  
 مسئله، لزوم استفاده از مراکز  
 مراقبتی مانند مهد کودک را در  
 بخشی از روز که مادر درکنار  
 فرزندش نیست، ایجاب میکند. در  
 این زمینه چشم اندازی به فعالیتهای  
 خدماتی و حمایتی سازمان بهزیستی  
 کشور در ارتباط با تاسیس مهدهای  
 کودک چنین نشان می‌دهد: در سال  
 ۱۳۶۵، تعداد ۳۲۱ واحد مهد کودک  
 تحت پوشش این سازمان در کشور  
 وجود داشته که به تعداد ۲۴۳ هزار  
 نفر در ماه خدمات ارائه می‌داده‌اند  
 در حالیکه در سال ۱۳۶۹، مهدهای  
 کودک تحت پوشش این سازمان به

1-Mahler et al

2-Maternal Separation Anxiety

3-Hock & DeMeis

4-Crokenberg & Litman

5-Hoffert & Phillips

تعداد ۳۵۵ واحد افزایش یافته که به تعداد ۳۱۰ هزار نفر در ماه خدمات ارائه می‌داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰، صفحه ۱۹۵). همانطور که ملاحظه می‌شود غیبت مادر و اشتغال وی در خارج از خانه و خلاء ناشی از آن نمی‌تواند مورد غفلت جامعه قرار گیرد، لذا همگام با افزایش تعداد مادران شاغل، پیدایش سازمانهایی چون مهد کودک نیز رو به تزاید بوده است.

بنابراین با توجه به اینکه اشتغال مادران در خارج از خانه می‌باشد، از یک طرف اجباراً جدایی مادر و فرزند پیش آمده است (بهری، ۱۳۶۵، صفحه ۲۱). و از طرف دیگر به خاطر افزایش تمایل مادران به شاغل بودن، عملکرد خانواده‌ها نیز تغییر کرده است. بدین صورت که وظایف والدی و خانه‌داری باید روز به روز بین والدین تقسیم شود، لذا بسیاری از مادران عواطف دارای تعارضی همانند حس گناه به دلیل ترک کودک و سپردن مراقبتهای او به فرد دیگری را تجربه میکنند (استنهورپ و لنکاستر،<sup>۱</sup> ۱۹۹۸، صفحه ۴۳۳). به علاوه، هنوز نگرشهای سنتی نسبت به وظایف مادری در جامعه ما ریشه دارند و در نتیجه زنان شاغل دوگانگی وظایف خود را حس می‌کنند (ساروخانی،

۱۳۷۰، صفحه ۱۸۱). به پیروی از این سنت انتظار می‌رود، یک مادر به عنوان مراقب اولیه فرزندانش به انجام وظیفه پرداخته و تا سالهای اولیه راه یافتن کودک به مدرسه، باید در تمام مدت در کنار او حضور داشته باشد. زنی که چنین تعریف سنتی را می‌پذیرد، ممکن است: الف- وقتی از فرزندش جدا می‌شود، حس گناه و اضطراب را تجربه کند، ب- معتقد باشد که جدایی‌ها برای فرزندش زیان آور هستند، ج- افراد مختلف را به عنوان مراقب فرزندش نپذیرفته و عقیده داشته باشد که وی به تنهایی قادر به ارائه بهترین مراقبت برای فرزندش می‌باشد (هوک و دمیس، ۱۹۹۰، ص ۲۸۶).

در بررسی که هوک و همکارانش (۱۹۸۴) در مورد نگرش ۳۱۷ مادر نسبت به شغل و وظایف مادری به دنبال تولد اولین فرزندشان انجام دادند، نتایج مطالعه نشان داد اکثریت مادران معتقد بودند که به تنهایی می‌توانند نیازهای فرزند خردسال خود را به بهترین نحو بر آورده سازند و در صورتی که حق انتخاب بین کار تمام وقت یا ماندن در خانه به آنها داده می‌شد، ترجیح می‌دادند در منزل کنار فرزندشان حضور داشته باشند. بدین ترتیب حتی با وجود این که ۶۶ درصد از مادران برنامه‌ریزی

کردند که قبل از پایان سال اول تولد فرزندشان به سرکار بازگردند، اکثریت آنها نظرات سنتی خود را درباره اهمیت مراقبتهایی که توسط مادر ارائه می‌شود، بیان کردند (صفحات ۴۲۹ و ۴۲۵).  
نتایج مطالعات هوک و شرتزینگر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در زمینه اضطراب جدایی مادری و ارتباط آن با سلامت روانی مادر مویده آن بود، مادرانی که کودک ۶ ساله داشته و اضطراب جدایی زیادی داشتند، سطوح بالاتری از نشانه‌های افسردگی، مشکلات بیشتری برای سازگاری با تنیدگی، یک بازنمایی درونی منفی از خود<sup>۳</sup> و انتظارات سنتی تری از نقش‌های جنسیتی را آشکار نمودند (صفحه ۱۰۱).

1-Stanhope & Lancaster

2-Hock and sehirtzinger

3-Negative Representation of Self

ممکن است نشانه‌ای از ترس یا هوشیاری بیش از حد در مادران در معرض خطر بوده و با فقدان توانایی مادر برای به حداکثر رساندن تجارب جدایی مناسب با سن کودک در جهت پرورش استقلال در فرزند و در زندگی خویش مطابق باشد. بنابراین اضطراب جدایی مادری، ممکن است مادر را در معرض خطر الگوهای شخصیتی مستعد برای افسردگی قرار دهد. همچنین یافته‌ها مویید آن بوده که سطوح افزایش یافته اضطراب جدایی، یادآوری روابط آشفته با والدین و عدم رضایت از ازدواج، عوامل خطری برای بروز نشانه‌های افسردگی در مادران دارای فرزند خردسال بودند. به علاوه این مطالعه نشان داد که اضطراب جدایی مادری یک جنبه مشخص و ویژه از شخصیت مادری است که به وسیله رابطه مادر و فرزند برانگیخته می‌شود (صفحات ۲۳۸-۲۲۹). بدین ترتیب درجه تحمل مادر در رابطه با اضطراب جدایی از فرزندش، مشکلاتی را برای هر دو فراهم میکند و تکامل روانی - احساسی کودک، همچنین سلامت روانی مادر را به مخاطره می‌اندازد (هوک و شرترزینگر، ۱۹۹۲، صفحه ۹۳). از آنجایی که مادران و کودکان از گروههای آسیب

پذیر هر جامعه‌ای هستند، توجه به سلامتی و بهداشت آنان باید از اهداف مهم خدمات بهداشتی هر جامعه محسوب گردد (باکت و دیگران، ۱۹۸۴<sup>۱</sup>، صفحه ۷). و پرستار بهداشت جامعه باید با مشخص کردن جمع در معرض خطر، برنامه‌ریزی و عرضه خدمات ضروری، خطر را در بین افراد و خانواده‌های آسیب پذیر کم کند (لوگان و داکینز، ۱۹۸۶<sup>۲</sup>، صفحه ۱۸).

مطالب فوق و نگرش‌های سنتی زنان نسبت به وظایف مادری در جامعه ما، همچنین تجربیات پژوهشگر در مواجهه با مادران شاغل در محیط تحصیلی و شغلی، عواملی بودند که به عنوان انگیزه‌ای قوی موجب شدند تا پژوهشگر این مسئله را با نگاهی ژرف بررسی کند.

#### چهار چوب پنداشتی

چهارچوب پنداشتی این پژوهش بر اساس مفهوم اضطراب جدایی مادری استوار شده است. به منظور طرح چنین مفهومی از خانواده، بر حسب طرح دوال<sup>۳</sup>، رشد و تکامل خانواده در مرحله دوم این طرح یعنی تولد و پرورش فرزند<sup>۴</sup> شروع شده و سپس نقش مادر در خانواده، تعادل بین وظایف مادری و شغلی،

نگرانیهای مادران شاغل در رابطه با جدایی از کودک و سرانجام اضطراب جدایی مادری بحث شده است.

به بیان پیتزر<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) اضطراب جدایی مادری، احساسات نگرانی، بیم، غم و حس گناه مادر را در رابطه با جدایی‌های کوتاه مدت مادر و کودک نشان می‌دهد (صفحه ۵۱). این خصوصیت مادری به وسیله هوک، گنزدا و مک براید<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۲ با استفاده از مقیاس اضطراب جدایی مادری اندازه‌گیری شد (هوک و همکاران، ۱۹۸۴، صفحه ۴۲۶). انجام مطالعات آماری در این مقیاس نشان داد سه بعدی که به بروز نگرانیهای مادر درباره جدایی از فرزندش کمک مینمایند، عبارتند از: احساسات مادر درباره جدایی از کودک و مراقبتهای انحصاری مادری<sup>۷</sup>، ادراکات مادر از ناراحتی کودک در طول جدایی و احساسات و نگرش‌های مادر نسبت

1-Backett et al

2-Logan & Dawkins

3-Duvall

4-Childbearing family

5-Pitzer

6-Hock , Gnezda & McBride

7-Exclusive Maternal Care

به شغل و وظایف مادری (بیتزر، ۱۹۸۴، صفحه ۵۴). مطالعات اخیر نیز آشکار کرد که اضطراب جدایی مادری یک پدیده پیچیده با همبستگیهای متعدد است (مک براید، ۱۹۹۰، صفحه ۵۷). تئوری رفتار شناسی جان بالبی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۹ تحت عنوان وابستگی<sup>۲</sup> اساسی را برای درک اضطراب جدایی مادری فراهم کرد (هوک و شرتزینگر، ۱۹۹۲، صفحه ۹۴). به عقیده بالبی، اضطراب مادری یک پاسخ غریزی بوده و موجب احساس نزدیکی، پشتیبانی و حمایت مادر نسبت به فرزندش می‌گردد. اضطرابی که درباره دوری از فرزند و بنا به دلایل شخصی مادر بر افکار وی مستولی می‌شود، ممکن است مانع از بروز این رفتارهای غریزی ضروری برای برقراری یک رابطه وابستگی توأم با ایمنی گردد (مک براید و بلسکی،<sup>۳</sup> ۱۹۸۸، صفحه ۴۰۷).

#### اهداف پژوهش

اهداف کلی این پژوهش عبارت بودند از:

- ۱- تعیین درجه اضطراب جدایی مادری در زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم

پزشکی شهر تهران می‌سپارند.  
۲- ارائه پیشنهادات بر اساس یافته‌های پژوهش جهت کاربرد نتایج در پرستاری.

۳- ارائه پیشنهادات برای پژوهش‌های بعدی بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش. اهداف ویژه این پژوهش به قرار زیر بوده است:

۱- تعیین مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند.

۲- تعیین نگرانیهای زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، در رابطه با جدایی از کودک.

۳- تعیین ادراکات زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند از اثرات جدایی در کودک.

۴- تعیین نگرانیهای زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، در رابطه با شغل.

۵- تعیین ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل

نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک، و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند.

۶- تعیین ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند.

۷- تعیین ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با شغل و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند.

۸- تعیین ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به

1-Bowlby, John

2-Attachment

3-McBride & Belsky

دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند.

### سؤال‌های پژوهش

۱- مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، کدامند؟

۲- درجه اضطراب جدایی مادری زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک چقدر است؟

۳- درجه اضطراب جدایی مادری زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک چقدر است؟

۴- درجه اضطراب جدایی مادری زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند، در عامل نگرانی‌های مادر در رابطه با شغل چقدر است؟

۵- ارتباط بین درجه اضطراب

### روش پژوهش

الف) جامعه پژوهش: در این مطالعه، جامعه پژوهش شامل کلیه زنان شاغلی بود که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران سپرده و واجد شرایط واحدهای مورد پژوهش بوده‌اند.

ب) نمونه پژوهش: در این تحقیق نمونه پژوهش شامل ۶۰ نفر از مادران شاغل در مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران بود که واجد شرایط تعیین شده برای واحدهای مورد پژوهش بوده‌اند. در این پژوهش ابتدا فهرستی از کلیه مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران تهیه گردید، سپس از مهدهای کودک مراکز وابسته به هر دانشگاه علوم پزشکی، تعداد ۲۰ نفر که در مشاغل بالینی، آموزشی و یا اداری فعالیت داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند و بدین ترتیب با احتساب سه دانشگاه علوم پزشکی در شهر تهران، تعداد نمونه‌ها به ۶۰ نفر بالغ شد. پژوهشگر در طی مدت دو هفته، هر روز در شیفت صبح به مهدهای کودک مراکز مذکور مراجعه کرده و کلیه افرادی را که واجد شرایط نمونه‌های پژوهش بودند به عنوان

جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند چگونه است؟

۶- ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند چگونه است؟

۷- ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با شغل و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند چگونه است؟

۸- ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند چگونه است؟

واحدهای پژوهش برگزید. لذا در این پژوهش، نمونه‌ها تنها از نظر زمان به صورت تصادفی برگزیده شدند.

شرایط مورد لزوم جهت شرکت مادران در پژوهش به قرار زیر بوده است:

۱- کلیه واحدهای مورد پژوهش متاهل و مادر تنها، یک فرزند ۳۰-۴ ماهه بودند.

۲- کلیه واحدهای مورد پژوهش در یکی از مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران به صورت رسمی یا غیر رسمی شاغل بوده و اولین فرزند خود را به یکی از مهدهای کودک وابسته به این مراکز می‌سپردند.

۳- کلیه واحدهای مورد پژوهش، حداقل تحصیلات دیپلم را دارا بودند.

۴- کلیه واحدهای مورد پژوهش در زمان انجام مطالعه، هیچگونه بیماری شناخته شده‌ای از نظر جسمی یا روانی نداشتند.

ج - محیط پژوهش: محیط پژوهش در این تحقیق، ۲۱ واحد مهد کودک در مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران بود. مادران شاغلی که تنها یک فرزند ۳۰-۴ ماهه داشتند، فرزند خود را قبل از رفتن به محل کار به

این محیط سپرده و بعد از اتمام کار، دوباره وی را تحویل می‌گرفتند. محیطهای طبیعی<sup>۱</sup> بوده که وظایف مراقبت از کودکان را تا سن قبل از مدرسه به عهده دارند. اکثر مادران شاغل جهت پرورش و نگهداری کودکان خود از چنین محیطهایی استفاده میکنند، بنابراین واحدهای مورد پژوهش به راحتی در این محیطها قابل دسترسی بودند.

د) ابزار گردآوری داده‌ها: در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه اضطراب جدایی مادری تهیه شده توسط هوک و همکارانش استفاده شد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش در دو بخش تنظیم شد. در بخش اول، ۱۹ سوال مربوط به مشخصات فردی و خانوادگی واحدهای مورد پژوهش قرار داده شد. در بخش دوم پرسشنامه نیز ۳۵ سوال مربوط به اضطراب جدایی مادری مطرح شد که ۲۱ سوال مربوط به اولین بخش اضطراب جدایی مادری یعنی نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک، ۷ سوال مربوط به دومین بخش یعنی ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک و ۷ سوال نیز در رابطه با سومین بخش اضطراب جدایی مادری یعنی نگرانیهای مادر

در رابطه با شغل بود. این سؤالات درجه اضطراب جدایی مادری زنان شاغل را از طریق یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی موافقم، موافقم و کاملاً موافقم) مورد سنجش قرار می‌داد. محدوده امتیازات در تمام این بخش‌ها و در کل ابزار بین ۳۵-۷ بود. لازم به یادآوری است که اعتبار علمی پرسشنامه مزبور از طریق روش اعتبار محتوی<sup>۲</sup> سنجیده شده و جهت کسب اعتماد علمی آن از روش دو نیمه کردن<sup>۳</sup> استفاده شده است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است و به منظور دستیابی به اهداف ویژه اول تا چهارم این پژوهش از رسم جداول توزیع فراوانی مطلق و نسبی استفاده شد. جهت بررسی اهداف ویژه پنجم تا هشتم این پژوهش، معیار سنجش امتیازاتی بوده است که هر کدام از واحدهای مورد پژوهش در بخشهای مختلف

1-Natural Settings

2-content validity

3-Split-Half

۳۵ سوال پرسشنامه و کل آن کسب کردند. باتوجه به اینکه محدوده امتیازات در هر کدام از این بخش‌ها بین ۷-۳۵ بود به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، عدد ۲۱ به عنوان میانگین انتخاب شد. بدین ترتیب درجه اضطراب جدایی مادری زنان شاغلی که پایین‌تر از میانگین نمره کسب کردند با شدت نسبتاً کم طبقه‌بندی شد (امتیاز ۲۰-۷) و درجه اضطراب جدایی زنان شاغلی که امتیاز ۲۱ یا بالاتر کسب کردند با شدت نسبتاً زیاد طبقه‌بندی شد (امتیاز ۳۵-۲۱). سپس جداولی سه بعدی ترسیم شده و از طریق به کارگیری آزمون آماری کای دو و ضریب توافق چوپروف،<sup>۱</sup> ارتباط هر یک از مشخصات فردی و خانوادگی واحدهای مورد پژوهش با درجه اضطراب جدایی مادری آنها و با توجه به عوامل یا بخش‌های مختلف پرسشنامه، مورد سنجش قرار گرفت.

### نتیجه‌گیری نهایی از یافته‌ها

با بررسی یافته‌های این پژوهش در جهت دستیابی به پاسخی برای هر یک از سؤالات مطرح شده در این پژوهش، چنین نتیجه‌گیری شد: در پاسخ به اولین سؤال پژوهش یعنی "مشخصات فردی و خانوادگی

واحدهای مورد پژوهش کدامند؟"، یافته‌ها بیانگر آن بود که از تعداد ۶۰ نفر واحدهای مورد پژوهش، اکثریت آنها در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار داشته، دارای تحصیلات دیپلم بوده و در مشاغل بالینی در بیمارستان فعالیت می‌کردند و سابقه کار آنها بیشتر از ۶ سال بود. ساعات کاری اکثریت واحدهای مورد پژوهش به صورت تمام وقت بود و غالباً در شیفت صبح مشغول به کار بوده و مسائل اقتصادی را به عنوان دلیل خود برای کار کردن ذکر کرده بودند. با وجود این که مسائل مادی در زندگی اکثریت آنها وجود داشت، همسرانشان بیشتر علاقه‌مند بودند که آنها کار نکنند و اکثریت مادران نیز خود تمایل داشتند در منزل، کنار فرزندشان حضور داشته باشند. سن فرزند بیشترین درصد از واحدهای مورد پژوهش در محدوده ۲۴-۱۳ ماهگی قرار داشت. اکثریت واحدهای مورد مطالعه برای حاملگی خود برنامه‌ریزی کرده، دارای فرزند دختر بوده و فرزندشان در زمان پژوهش از شیر مادر تغذیه نمی‌کرده است، همچنین در مدت زمانی کمتر از ۴ ماه پس از تولد فرزندشان به سرکار بازگشته بودند. به علاوه اکثریت آنها، ۱۲-۴ ماه پس از تولد فرزندشان، او را به مهد

کودک سپرده و از مراقبت‌هایی که فرزندشان در مهد کودک دریافت میکرد رضایت داشتند، و سرانجام فرزند اکثریت مادران به مدت ۱۲-۴ ماه از مهد کودک استفاده کرده بودند.

در پاسخ به دومین سؤال پژوهش یعنی "درجه اضطراب جدایی مادری واحدهای مورد پژوهش در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک، چقدر است؟"، یافته‌ها نشان داد که اکثریت واحدهای مورد مطالعه (۸۳/۳ درصد) از درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری در عامل مذکور برخوردار بودند و میانگین و انحراف معیار درجه اضطراب جدایی مادری در عامل مذکور به ترتیب برابر ۲۵/۵۹ و ۴/۸۸ بود.

در پاسخ به سومین سؤال پژوهش یعنی "درجه اضطراب جدایی مادری واحدهای مورد پژوهش در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک، چقدر است؟"، یافته‌ها مبین آن بود که اکثریت واحدهای مورد مطالعه (۸۳/۳ درصد) از درجه نسبتاً کم اضطراب جدایی مادری در عامل مذکور برخوردار بودند. میانگین و

1-Tchouproff



انحراف معیار درجه اضطراب جدایی مادری در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک به ترتیب برابر ۱۵/۳۱ و ۴/۸۲ بود.

در پاسخ به چهارمین سؤال پژوهش یعنی "درجه اضطراب جدایی مادری واحدهای مورد پژوهش در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با شغل، چقدر است؟"، یافته‌ها نشانگر آن بود که اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۷۳/۳ درصد) از درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری در عامل مذکور برخوردار شدند. میانگین و انحراف معیار درجه اضطراب جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با شغل به ترتیب برابر ۲۲/۷۵ و ۴/۳۹ بود.

در پاسخ به پنجمین سؤال پژوهش یعنی "ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک و مشخصات فردی و خانوادگی شاغل چگونه است؟"، نتایج آزمونهای آماری کای دو نشان داد که بین هیچیک از مشخصات فردی و خانوادگی واحدهای مورد پژوهش و درجه اضطراب جدایی مادری آنها در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک، ارتباط معنی دار آماری وجود

نداشت.

در پاسخ به سوال ششم پژوهش یعنی "ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل چگونه است؟"، نتایج آزمونهای آماری کای دو مؤید آن بود که با افزایش میزان تحصیلات مادر بر درجه اضطراب جدایی وی در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک افزوده شد. در مادرانی که ترجیح دادند در منزل، کنار فرزندشان حضور داشته باشند، به علاوه مادرانی که قبل از ۴ ماهگی فرزند خود به سرکار بازگشتند، درجه اضطراب جدایی مادری آنها در عامل مذکور بالاتر بود.

در پاسخ به سؤال هفتم پژوهش یعنی "ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل نگرانیهای مادر در رابطه با شغل و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل چگونه است؟"، نتایج آزمونهای آماری کای دو نشانگر آن بود در مادرانی که علاقه به کار، حفظ و نگهداری مهارت‌ها، برقراری تماس‌های اجتماعی و موقعیت اجتماعی را به عنوان دلیل خود برای کارکردن ذکر نکردند، درجه اضطراب جدایی مادری آنها در

عامل مذکور نسبتاً بالا بود. همچنین در مادرانی که ترجیح دادند در منزل بمانند، بیشترین درجه اضطراب جدایی مادری در عامل مذکور مشاهده شد.

در پاسخگویی به سؤال هشتم پژوهش یعنی "ارتباط بین درجه اضطراب جدایی مادری و مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل چگونه است؟"، نتایج آزمونهای آماری کای دو مبین آن بود که با افزوده شدن ساعات کاری مادر، درجه اضطراب جدایی وی در امتیاز کلی اضطراب جدایی مادری افزایش یافت. در مادرانی که ترجیح دادند در منزل بمانند، درجه اضطراب جدایی مادری آنها در امتیاز کلی کاسته شد و بالاخره در مادرانی که فرزندشان به مدت ۱۲-۴ ماه از مهد کودک استفاده کرده بود، بیشترین درجه اضطراب جدایی مادری در امتیاز کلی مشهود بوده است.

بنابراین بطور خلاصه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در مجموع اکثریت واحدهای مورد مطالعه در این پژوهش (۷۱/۷ درصد) از درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری برخوردار بودند. به علاوه، اضطراب جدایی مادری دارای ساختاری پیچیده و ابعاد مختلف بوده که

عوامل متعددی در تعیین آن دخالت دارند.

### موارد استفاده در پرستاری

با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش در زمینه نگرانیهای اکثریت مادران شاغل در رابطه با جدایی از کودک و عدم برقراری تعادل میان وظایف مادری و شغلی، فعالیت پرستاران بهداشت جامعه در قالب نقشهای آموزشی و حمایتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پرستاران بهداشت جامعه می‌توانند به صورت گروهی یا انفرادی به مادران شاغل در زمینه نگرانیهای موجود، نحوه سازگاری با آنها و تعارض‌های نقشی آموزش دهند. استنهوپ و لنکاستر (۱۹۸۸) در این رابطه چنین می‌نویسند: کار با گروهها یکی از مهارت‌های مهم برای پرستار بهداشت جامعه است. گروهها یک وسیله مؤثر و قوی برای ایجاد تغییرات در افراد، خانواده‌ها، مؤسسات و جامعه می‌باشند (صفحه ۳۲۵). یافته دیگر این پژوهش نشان داد که با افزایش ساعات کاری مادر بر درجه اضطراب جدایی مادری وی در امتیاز کلی افزوده شد. این یافته می‌تواند در زمینه بهداشت حرفه‌ای زنان کاربرد داشته باشد تا کارفرمایان

و مسئولین مملکتی بیش از گذشته به مشکلات مادران شاغل در این زمینه و ارائه راه حل‌های منطقی توجه نمایند. با در نظر گرفتن یافته‌های کلی این پژوهش در زمینه وجود درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری در عوامل نگرانیهای مادر در رابطه با جدایی از کودک و نگرانیهای مادر در رابطه با شغل، می‌توان به کاربرد آنها در حیطه پرستاری بهداشت مادران و نوزادان اشاره کرد. بدین ترتیب که پرستاران در بخشهای زنان و زایمان، بعد از تولد کودک به منظور ارائه خدمات پیشگیری اولیه با قرار دادن اطلاعات ضروری در رابطه با اضطراب جدایی مادری، ضامن سلامت مادران شده تا آنها بتوانند فرزندان سالم به جامعه تحویل دهند، زیرا به بیان هوک و شرتزینگر (۱۹۹۲) منشأ اضطراب جدایی مادری به دوران کودکی فرد بر می‌گردد. اگر فرد در دوران کودکی یک وابستگی توأم با ناامنی نسبت به مادر خود پیدا کند و یادر رشد و تکامل مراحل استقلال دچار مشکل شود، در بزرگسالی مستعد بروز اضطراب جدایی مادری می‌شود (صفحه ۹۴).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد در مادرانی که قبل از ۴ ماهگی

فرزند خویش به سرکار بازگشتند، درجه اضطراب جدایی مادری آنها در عامل ادراکات مادر از اثرات جدایی در کودک و امتیاز کلی اضطراب جدایی مادری در حد نسبتاً زیاد بود. به علاوه با توجه به مشکلات مادران شاغل در زمینه ساعات و شیفت کاری و تغذیه فرزند با شیر مادر، توجه دست اندرکاران مملکتی و واضعین قوانین استخدامی کشور به این مسئله جلب می‌شود. به منظور اینکه مادر شاغل پس از تولد فرزندش، بتواند یک رابطه وابستگی توأم با ایمنی را در وی به وجود آورد، در ساعات کاری مادر، قوانین استخدامی و مرخصی زایمان او باید اصلاحاتی انجام گیرد، همچنین به فراهم نمودن تسهیلات مراقبت از کودک با کیفیتی مطلوب و نزدیک به محل کار مادر اهمیت بیشتری داده شود تا بدینوسیله علاقه و اشتیاق مادران نیز به کار جلب شده و کارایی آنها در جنبه‌های مختلف شغلی افزایش یابد.

### پیشنهادهای برای پژوهش‌های بعدی

با توجه به اینکه در این پژوهش، اکثریت جامعه مورد تحقیق در شیفت صبح مشغول به کار بودند،

پیشنهاد می‌شود به منظور بررسی تأثیر شیفت کاری در اضطراب جدایی مادری، پژوهش دیگری در این رابطه انجام شود. برخی از یافته‌های تحقیق مؤید آن بود که ممکن است سن پایین کودک در افزایش درجه اضطراب جدایی مادری تأثیر گذاشته باشد، توصیه می‌شود که پژوهش دیگری در این زمینه انجام شده و سن واحدهای مورد پژوهش بین ۶-۱ سالگی انتخاب شود. با توجه به تنوع زیاد مشاغل در این تحقیق، این مشاغل تحت عنوان آموزشی، اداری و بالینی طبقه‌بندی شدند. توصیه می‌شود که به منظور بررسی دقیق تأثیر نوع حرفه بر اضطراب جدایی مادری، این پژوهش در دو یا چند حرفه خاص انجام شده و نتایج با یکدیگر مقایسه شود. در پژوهش مذکور از خصوصیات حرفه‌ای مادران، تنها ساعات کاری و گروه شغلی آنها در ارتباط با اضطراب جدایی مادری بررسی شد، پیشنهاد میشود تأثیر موارد دیگری چون رضایت شغلی، دریافت حمایت از جانب کارفرما و ... مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش یکی از جداول مربوط به وضعیت کودک در هنگام تولد به علت نابرابری تعداد نمونه‌ها حذف شد، توصیه می‌شود

در تحقیق دیگری یکی از شرایط انتخاب واحدهای مورد پژوهش را، داشتن فرزند طبیعی یا نارس به هنگام تولد قرار داده و گروهها با یکدیگر مقایسه شوند. این پژوهش در محیط مهدهای کودک مراکز وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران انجام شد. بنا به تجربه پژوهشگر با توجه به اینکه محیطهای مختلف می‌توانند اثرات متفاوتی بر اضطراب جدایی داشته باشند، توصیه می‌شود پژوهش دیگری در محیط مهدهای کودک خصوصی و دولتی انجام گیرد، همچنین مادرانی که فرزندشان را در منزل، نزد خویشاوندان قرار می‌دهند با مادران دیگری که فرزندشان را در مهد کودک می‌گذارند، مقایسه شوند. یکی از محدودیت‌های خارج از اختیار پژوهشگر، نحوه اداره کردن و مدیریت مهدهای کودک و در نتیجه کیفیت خدمات ارائه شده در این مراکز بود، بنابراین توصیه می‌شود که در پژوهش دیگری رابطه بین کیفیت مراقبت‌های ارائه شده در مهد کودک و اضطراب جدایی مادری مطالعه شود. سرانجام با توجه به تجربیات پژوهشگر در رابطه با مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه اضطراب جدایی

مادری، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های دیگری اثر ترتیب تولد در اضطراب جدایی مادری، همچنین ارتباط آن با خصوصیات دیگری مانند اضطراب عمومی و افسردگی مورد بررسی قرار گیرد.

## Assessing Degree of maternal separation anxiety in working women who put their first child to kindergartens of Universities of Medical Sciences in Tehran, 1994

Rouhani, K.

This field study was conducted on 60 women who working in related centers of Universities of Medical Sciences in Tehran. Data gathering tool was maternal separation anxiety questionnaire that designated by Hock & et al. (1982). Findings revealed that majority of the research units (71.7%), have high degree of maternal separation anxiety. Mean degree of maternal separation anxiety was  $(21.22 \pm 3.19)$ . Chi-square test showed that there are significant relationship between some personal and familial characteristics and degree of maternal separation anxiety. Also, this significant relationship was between some personal and familial characteristics and mother's perceptions factors about effects of child separation, and mother's worries about her job.

Key words: Maternal separation anxiety, Separation anxiety, Anxiety